پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۳ تابستان ۱۴۰۰

No.43 Summer 2021

۹۰-۶۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷

تصویرسازی انتقادی در نشریات محلی اواخر دوره قاجار (مطالعه موردی: کاشف اسرار، مشهد)

مصطفی لعل شاطری: دانش‌آموخته دکتری، مدرس مدعو، گروه هنر، مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

چکیده

با رشد رویکرد تفکر آزاد و به‌تبع آن جنبش مشروطه، جریان‌های گوناگونی در عرصه مطبوعات دوره قاجار ایجاد شد که ازجمله آن‌ها آغاز تصویرسازی انتقادی با رویکردهای سیاسی-اجتماعی بود. ازجمله مطبوعات محلی در دوره حکمرانی احمدشاه (۱۳۴۴-۱۳۲۷ق/ ۱۹۲۵-۱۹۰۹م)، کاشف‌اسرار -نخستین نشریه انتقادی مصورِ مشهد- بود. این نشریه که انتشار سال اول آن در ۱۳۲۱ق/ ۱۹۱۳ق در تهران آغاز شد، با سفر مؤسس و مدیر آن، ابوالقاسم پروردین (مؤید الشریعه گیلانی)، انتشار سال دوم آن از اواخر شوال ۱۳۳۲ق/ سپتامبر ۱۹۱۴م در مشهد ادامه یافت و همزمان با جنگ جهانی اول طی ۱۷ شماره و به مدت شش ماه تا ۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق/ ۳ فوریه ۱۹۱۴م با استفاده توأمان از شیوهٔ چاپ سنگی و چاپ سربی جهت تولید تصویر و متن در چاپخانه طوس، ادامه یافت. هدف این پژوهش با تکیه‌بر روش توصیفی-تحلیلی پاسخ به این پرسش است که تصویرسازی‌های نشریه کاشف‌اسرارِ مشهد دارای چه مضامین، برخوردار از چه رویکرد و با چه اهدافی بوده است؟ یافته‌ها با توجه به شماره‌های موجود از سال دوم (۳ الی ۱۷) حاکی از آن است که نقطه کانونی توجه مدیر این نشریه، انتقاد از عملکرد وزیران و نمایندگان مجلس و متعاقباً نمایش نارضایتی توده جامعه از عملکرد آنان بود و در این بین، گاه اشاره به معضلاتی همچون مصرف مواد افیونی، لغو امتیاز نشریات و تبلیغ از نماینده‌ای خاص به‌صورت محدود، مدنظر قرار داشت. متعاقباً، تصویرسازِ ناشناس این نشریه، وظیفه بیان این نگرش و رویکرد را در قالب گفتمانی بصری جهت درک تمامی اقشار جامعه (به‌ویژه اقشار فاقد سواد)، عهده‌دار بود.

واژگان کلیدی: تصویرسازی انتقادی، نشریه کاشف‌اسرار، مشروطیت، مطبوعات دوره قاجار، نمایندگان مجلس

Abstract

A large number of currents were created in the Qajar period press including the beginning of critical illustration with socio-political approaches with the growth of the free thought approach and the constitutional revolution. Kashf-al-Asrar, as the first critical illustrated publication in Mashhad, was among the local press during the reign of Ahmad Shah (1909-1925), the first version of which was published in Tehran during 1913. Upon the visit of Abolghasem Parvardin (Moayed al-Sharia Gilani), as its founder and director, the second year of publication continued in Mashhad since late September 1914 which coincided with the First World War. The second year continued for six months until the February 3, 1914 with publishing 17 issues using lithographic and lead printing methods to produce images and text in the Toos publishing house. The present descriptive and analytical study aims to assess the themes, approaches, and objectives of the illustrations in Mashhad Kashf-e-Asrar publication. Based on the findings in the available numbers from the second year (3-17), the editor of Kashf-al-Asrar sought to criticize the performance of ministers and members of parliament, display the dissatisfaction of the masses with their performance, and demonstrate the problems such as opioid use, revocation of publications, and limited representation of special agents. In addition, the publication's anonymous illustrator was tasked with expressing this attitude and approach in the form of a visual discourse to understand all sections of society, especially the illiterate.

Keyword: Critical Illustration, Kashf-al-Asrar Publication, Constitutional Revolution, Qajar Period Press, Parliament Members

*نویسنده مسئول مکاتبات: (۰۹۱۵۴۳۸۲۱۴۳) (mostafa.shateri@yahoo.com)

مقدمه

ورود مطبوعات به ایران، از دوره محمدشاه قاجار و به کوشش میرزا صالح شیرازی -از محصلان اعزامی در زمان عباس‌میرزا نایب‌السلطنه به اروپا برای فراگیری علوم نوین[۱]- و با انتشار کاغذ اخبار در ۱۲۵۳ق/ ۱۸۳۷م آغاز شد. انتشار مطبوعات نخست در تهران و زیر نظر دولت و پس از چند دهه، در دیگر شهرها ادامه یافت. بااین‌حال، حیات مطبوعات در عصر قاجار از منظرهای مختلف محتوایی، سبکی، ظاهری و غیره قابل تقسیم‌بندی دوره‌ای است، همچون دوره محمدشاه (۱۲۶۴-۱۲۵۰/ ۱۸۴۸-۱۸۳۴)، عصر ناصری (۱۳۱۳-۱۲۶۴/ ۱۸۹۵-۱۸۳۴)، دوره مظفری (۱۳۲۴-۱۳۱۳ق/ ۱۹۰۷-۱۸۹۵م)، مشروطه، از فرمان مشروطه تا استبداد صغیر (۱۳۲۶-۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۸-۱۹۰۷م)، استبداد صغیر (۱۳۲۷-۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۹-۱۹۰۸م)، مشروطه دوم تا کودتای ۱۲۹۹ش/ ۱۹۲۱م، از کودتا تا انقراض سلسله قاجار (۱۳۴۴ق/ ۱۹۲۵م). در این بین، دوره مظفری و امضای فرمان مشروطیت و پس از آن فضای ایجادشده در دوره حکمرانی احمدشاه از اهمیت ویژه‌ای در حیات مطبوعات برخوردار است (آدمیت، ۱۳۴۰: ۱۰۱؛ قاسمی، ۱۳۷۹: ۱۵). در عصر ناصری نشریات دولتی و خصوصی با اجازه وزارت انطباعات تأسیس و محدود به ممیزی اداره دارالطباعه مبارکه بودند و تا حد گسترده‌ای جوانب استبداد خودکامه دولتی در آن رعایت می‌شد، اما با امضای فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین‌شاه و متمم آن توسط محمدعلی‌شاه، امتیازات و اختیارات شاه محدود و یکی از ثمرات آن ایجاد زمینه‌های موردنیاز برای آزادی نسبی و ورود مطبوعات به دوره‌ای جدید بود (باقریان‌نژاد، ۱۳۷۱: ۱۹-۱۷؛ ذاکرحسین، ۱۳۷۵: ۴۵). متعاقباً یکی از زمینه‌های ایجادشده، بهره‌گیری از متن و گاه تصویر برای انتقاد از اوضاع سیاسی-اجتماعیِ حاکم و بیان آن به‌گونه‌ای همه‌فهم محسوب می‌شد، چنانکه می‌توان علاوه بر نشریات تهران، تبریز و اصفهان، کاشف‌اسرار مشهد را نیز مصداقی از نشریات برخوردار از تصویرسازی‌های انتقادی[۲] در این حوزه دانست؛ نشریه‌ای که تاکنون مورد شناخت و بررسی قرار نگرفته است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه موضوع حاضر را می‌توان به دو دستهٔ بررسی منطقه‌ای و ملی تقسیم‌بندی کرد. پژوهش‌های منطقه‌ای در حوزه جغرافیایی خراسان عبارت است از *روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان* اثر حسین الهی و *نام‌ها و نامه‌ها: روایتی از روزنامه‌ها روزنامه‌نگاران خراسان در دوره قاجاریه* اثر ستار شهوازی که نخستین آثار در حوزه بررسی و ارائه آماری از مطبوعات خراسان هستند، اما به‌واسطه عدم بررسی دقیق و همه‌جانبه آرشیوهای سراسر کشور، گویا به مجموعه کاشف‌اسرار دسترسی نیافته و در آثارشان به آن اشاره‌ای نداشته‌اند. در حدود دو دهه بعد، ابراهیم حافظی در *تاریخ تحلیلی روزنامه‌ها، مجله‌ها و سالنامه‌های خراسان* برای نخستین‌بار به‌صورت محدود و صرفاً در حد معرفی اجمالی به این نشریه اشاره داشته است. بررسی‌های انجام‌شده در نشریات در عرصه ملی عبارت است *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران* اثر سید احمد محیط طباطبایی *تاریخ مطبوعات و ادبیات در دورهٔ مشروطیت* اثر ادوارد براون، *تاریخ جراید و مجلات ایران* اثر محمد صدرهاشمی، *نگرشی بر روزنامه‌های فکاهی ایران* اثر غلامحسین مراقبتی که ضمن تأکید بر جامعیت پژوهش و با توجه به اختصاص بخشی تحت عنوان معرفی نشریات ایران و گاه بررسی نشریات فکاهی دوره قاجار، از اشاره به کاشف‌اسرار مشهد، خودداری کرده‌اند، چنانکه مهران آشوری در *فهرست مطبوعات کاریکاتور و طنز* نسبت به این نشریه، بی‌توجه بوده است.

۱. برای آگاهی بیشتر از دوران حضور میرزا صالح شیرازی در اروپا و آموزش‌های فراگرفته به‌ویژه در زمینه چاپ، ر.ک: (Green, 2008).

۲. در این پژوهش از به‌کارگیری واژه کاریکاتور خودداری شده است، زیرا در کاریکاتور، اولویت غلبه نگرش طنزآمیز و سرگرمی است، اما اصطلاح تصویرسازی انتقادی حاکی از توجه تصویرساز به بیان معضل و آسیبی اجتماعی و تلاشی ورای سرگرمی است. از این منظر، به‌واسطه برخورداری ماهیت تصویرسازی‌های روزنامه کاشف‌اسرار بر اساس انتقاد از موضوعاتی سیاسی-اجتماعی بر مبنای حقیقت، این تصاویر را نمی‌توان کاریکاتور (به معنای رایج: طنز صرف توأم با مبالغه فراوان) دانست، زیرا این تصاویر روایتگر و القاکننده تجسمی بصری از مفهومی خاص و حقیقی است. بر این اساس، بهره‌گیری از اصطلاح تصویرسازی انتقادی جایگزینی مطلوب‌تر از کاریکاتور به نظر می‌رسد.

روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس بررسی تصویرسازی‌های صورت گرفته در شماره‌های ۳ الی ۱۱ از سال دوم نشریه کاشف‌اسرار مشهد (انتشاریافته از شوال ۱۳۳۲ق/ سپتامبر ۱۹۱۴ تا ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق/ فوریه ۱۹۱۴م) موجود در آرشیو مطبوعات کتابخانه آستان قدس رضوی، سامان‌یافته است. طی بررسی‌های صورت گرفته دو شماره نخست این نشریه در هیچ‌یک از مراکز آرشیوی داخل و خارج از ایران یافت نشد. همچنین این نشریه از شماره ۱۲ تا ۱۷ فاقد تصویر و تماماً به‌صورت متن و به شیوه چاپ سربی منتشر شده است. از این‌رو، پژوهش حاضر بر اساس شماره‌های مصورِ موجود، تدوین یافته است.

نشریاتِ مصورِ انتقادی

تصویرسازی طنزآمیز و گاه با رویکرد انتقادی در ایران از پیشینه‌ای قابل‌توجه برخوردار است. ابن‌سینا در مبحث فن شعر کتاب شفا و خواجه نصیر در کتاب اساس‌الاقتباس دربارهٔ اصحاب مانی و تصاویر خلق‌شده از سوی آنان، به این شیوهٔ هنری اشاره داشته‌اند. همچنین در لطیفه‌ای عبید زاکانی در سرای برکان، خان ختائیان، به سه تصویر اشاره دارد که در کنار هر یک از آنان، شرحی نوشته شده است که این نمونه را می‌توان از قدیمی‌ترین تصویرسازی‌های انتقادی شرح‌دار دانست. نیز از نوشته‌های واصفی در بدایع‌الوقایع (دوره تیموری) دریافت می‌شود که سلاطین و خاقان‌ها نیز به این‌گونه هنری علاقمند بودند، مشروط بر اینکه به آنان نپردازد. در اواخر دوره تیموری و اوایل صفوی کمال‌الدین بهزاد به خلق آثاری انتقادی پرداخت، چنانکه در طرحی، یک بزرگ‌زاده را در غل و زنجیر به تصویر درآورد. در دوره قاجار با ورود صنعت چاپ و مطبوعات به ایران، این‌گونه هنری شکلی نوین یافت. تصویرسازی انتقادی مطبوعاتی برخلاف طرح‌های طنزآمیز نگارگری پیشین، دنیای خیالی را کنار نهاد و به‌صورت جدی غالباً روابط و عملکرد صاحب‌منصبان سیاسی را با طرحی طنزآمیز، با محوریت انتقاد، موردنظر قرار داد (بروفر، ۱۳۸۰: ۱۰۴-۱۰۳).

پس از انتشار کاغذ اخبار تا دو دهه نشریات فاقد تصویر بود و برای نخستین بار بهره‌گیری از تصویر در دو شماره پایانی روزنامه وقایع اتفاقیه[۱] (۱۲۷۷ق/ ۱۸۶۱م) آغاز شد که شامل صحنهٔ شکار شاه و حادثه‌ای در یکی از روستاها بود. پس از آن روزنامه دولت علیه ایران[۲] از شماره آغازین با هنرنمایی میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی (صنیع‌الملک) به‌صورت مصور انتشار یافت[۳] و در هر شماره تصویر یک تا پنج تن از شاهزادگان، دولتمردان و روحانیون همراه با ذکر خبری مرتبط به آنان و اخبار مهم روز همچون بازدیدها و سلام رسمی شاهانه تصویرسازی و به چاپ رسید[۴] (پروین، ۱۳۷۷: ۱۴۴/۱-۱۴۳؛ رفیع‌ضیایی، ۱۳۸۲: ۴۲). آنچه مشهود است، نشریات ایران در دو دهه نخست فعالیت، وابستگی مطلق به دربار و سیاست‌های حکمرانی داشتند[۵]. از این‌رو، تصاویر تولیدی در روزنامه‌های دولتی، صرفاً بیان بصری از شاه و درباریان و یا روایاتی تصویری به‌عنوان مکمل متن روزنامه و فاقد رویکردی انتقادی بود و در این زمان، رویکرد انتقادی صرفاً در عرصه مکتوب جلوه‌گر بود.

بر این اساس، نخستین روزنامه‌های عصر ناصری، وابسته به مراکز دولتی و متعاقباً در راستای سیاست‌های دولت انتشار یافت. وجود دستگاه خودکامگی، مانعی در راه آزادی قلم و

۱. این روزنامه دارای اهمیت قابل‌توجهی در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران بود، چنانکه در طول فعالیتی نزدیک به یک دهه، علاوه بر ترویج مطالعه، به بیان اتفاقات درباری، تحولات سیاسی خارج از ایران و نیز بیان پیشرفت‌های تکنولوژیکی و دموکراتیک در اروپا پرداخت و الگویی برای نشریات بعدی بود (Ebrahimian, 2020: 13)

۲. اولین شماره از روزنامه وقایع اتفاقیه در ۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۷/ ۷ فوریه ۱۸۵۱م به دستور امیرکبیر منتشر شد. روزنامه وقایع اتفاقیه تا شمارهٔ ۴۷۰ با همین نام انتشار یافت و شمارهٔ ۴۷۱، روزنامهٔ وقایع نام گرفت، اما از شماره بعد (۱۲۷۷ق/ ۱۸۶۱م) به‌کلی تغییر نام داد و موسوم به روزنامه دولت علیه ایران شد (پروین، ۱۳۷۷: ۱۳۶/۱).

۳. برای آگاهی بیشتر از روند مصورسازی این نشریه و ویژگی‌های آن، ر.ک: (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۹۳-۲۵۳)

٤. همچنین از دیگر نشریات مصور می‌توان به شرف و شرافت اشاره کرد که از ۱۳۰۰ق/ ۱۸۸۳م تصاویر آن مشتمل بر تصاویر رجال ایرانی و غیر ایرانی، اماکن و ابنیه و سایر مواردی است که توسط نقاشانی همچون میرزا ابوتراب غفاری، میرزا موسی نقاش و مصورالملک ترسیم‌شده‌اند (ستاری، ۱۳۸۸: ۵۳).

٥. روزنامه‌های غیردولتی این زمان، در خارج از ایران منتشر می‌شد، همچون اختر در استانبول و حکمت در مصر (کسروی، ۱۳۸۵: ۴۷).

بیان بود، چنانکه خودممیزی (اتوسانسور) و ممیزی (سانسور) گاه با نوید و سودای سود و گاه با ایجاد ترس، به‌گونه‌ای سازمان‌یافته اعمال می‌شد. بااین‌حال، در دوره حکمرانی مظفرالدین‌شاه برخلاف عصر ناصری، شاه دخالت و نظارت مستقیم بر نشریات نداشت و نظر صدراعظم و وزیر انطباعات را می‌پذیرفت و این جریان، آزادی محدودی را برای مطبوعات به همراه داشت و پس از برقراری مشروطه، این آزادی نسبتاً بیش از پیش شد[1] (پروین، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۵۰، ۱۴۸؛ فرهمند، ۱۳۸۱: ۳۶۲-۳۶۱)، به‌نحوی‌که «به فاصله کوتاهی پس از اعلان مشروطیت، سانسور برافتاد و شمار در خورِ توجهی از نشریات آزاد در تهران و سایر شهرها انتشار یافتند[2]» (خارابی، ۱۳۸۶: ۳۸). متعاقباً بیش از ده‌ها نشریه، شامل روزنامه و هفته‌نامه آغاز به فعالیت کردند که یا به سبک ادبی رسمی و یا با زبان محاوره‌ای و گاه طنز و دربردارنده تصویرسازی انتقادی بودند. لحن برخی از آن‌ها معتدل و برخی دیگر رادیکال‌تر بود. هدف این نشریات گزارش اخبار خارج از ایران و اطلاع‌رسانی به افکار عمومی و کمک به شکل‌گیری یک دوره جدید بود. مؤسسان و مدیران این نشریاتِ فعال و اصلاح‌طلب معتقد بودند نشریات می‌توانند با آگاه‌سازی توده و با صراحت در بیان مطالب، نقش اساسی در ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی را عهده‌دار باشند (Nabavi, 2020: 21). در این بین، تصویرسازی انتقادی، پس از آغاز، رشد و بالندگی ادبیات انتقادی در عرصه نشریات ظهور یافت و به‌واسطه ماهیت آن، گفتمان بصری ارائه‌شده، به‌سرعت همگام و تا حد فراوانی هم‌سطح با گفتمان مکتوب گردید و از استقبال عمومی و محبوبیت در نزد توده برخوردار شد.

طلوع به مدیریت عبدالحمید خان ثقفی (متین‌السلطنه) در ۱۳۱۸ق/ ۱۹۰۰م (انتشار در بوشهر) را می‌توان اولین نشریه برخوردار از تصویرسازی -گویا با رویکرد انتقادی- دانست. متین‌السلطنه دربارۀ این نشریه چنین بیان داشته است: «اول روزنامه (کاریکاتور) و مصور را در ایران بنده مخترع بودم که طلوع نام داشت و قبل از مظفری در بوشهر می‌نوشتم و شش هفت شماره بیشتر از طبع بیرون نیامد و به‌واسطه مطالب و اشکال نفرت‌آمیزی که برای امناء دولت دارا بود توقیف شد» (خورشید، ۱۳۲۵، س۱، ش۱۰۰: ۲). بااین‌حال، تاکنون هیچ نسخه‌ای از آن یافت نشده است و اطلاعی در زمینه موضوعات موردنقد در آن، آشکار نیست.

از این‌رو، ادب نخستین نشریه‌ای محسوب می‌شود که تصویرسازی‌های انتقادی آن در دسترس است. این نشریه از جراید غیردولتی و برخوردار از سه دورۀ انتشار در سه شهر مختلف بود. دوره اول از ۱۳۱۶ق/ ۱۸۹۸م در تبریز آغاز و پس از دو سال (انتشار ۲۲ شماره) با سفر مدیر آن محمدصادق حسینی (ادیب‌الممالک فراهانی) به قفقاز متوقف شد. او پس از سفر به مشهد در ۱۳۱۸ق/ ۱۹۰۰م دوره دوم این نشریه را منتشر کرد و دوره سوم نیز در ۱۳۲۱ق/ ۱۹۰۳م در تهران آغاز و در ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م انتشار آن برای همیشه پایان یافت. ادب به‌عنوان نخستین نشریه مشهد در ٤ رمضان ۱۳۱۸ق/ ۲٦ دسامبر ۱۹۰۰م به صاحب‌امتیازی ادیب‌الممالک فراهانی و مدیر داخلی میرزا محمدصادق خان تبریزی، دربردارنده اخبار سیاسی، اخبار شهر مشهد و دیگر ولایات ایران به شیوه چاپ سنگی[3] به خط نسخ و نستعلیق در ابعاد ۳٤×۲۱cm به‌صورت هفتگی منتشر شد. این نشریه پس از دو سال به علت عزیمت ادیب‌الممالک به تهران به دستور مظفرالدین‌شاه و تصویب ندیم‌السلطان، وزیر انطباعات، برای انتقال دفتر روزنامه از مشهد به تهران در ۲۵ ذی‌القعده ۱۳۲۰ق/ ۲۳ فوریه ۱۹۰۳م تعطیل شد[4]. انتشار ادب در مشهد، در واقع ٤۲ سال پس از تبریز، ۲۸ سال پس

۱. روزنامه‌نگاران به‌عنوان «دیده‌بان عموم و در نقش حلقه اتصالی در قالب رکن چهارم مشروطیت فعال بودند و این انگیزه‌ای بود که برخی، آنان را به‌طور مؤثر در انقلاب مشروطه بیان کرده‌اند» (امین، ۱۳۹۵: ۱۴۴).

۲. پس از مشروطه، مجموعه قوانینی برای مطبوعات در نظر گرفته شد و مطبوعات تا حدودی از انحصار استبداد مطلقه حاکم، رهایی یافتند. برای یک بررسی در زمینه تاریخچه قوانین مطبوعات در ایران دوره قاجار، ر.ک: (Shahidi, 2008).

۳. گویا این نشریه در چاپخانه سنگی تأسیس‌شده به‌وسیله ادیب‌الممالک در مشهد منتشر شد (افضل‌الملک، بی‌تا: ٥٦).

٤. ادیب‌الممالک در تهران علاوه بر انتشار روزنامه ادب، سردبیری چند روزنامه دیگر ازجمله ایران سلطانی (۱۳۲۳ق/ ۱۹۰۵م)، مجلس (۱۳۲٤ق/ ۱۹۰٦م) و عراق عجم (۱۳۲۵ق/ ۱۹۰۷م) را عهده‌دار بود (آرین‌پور، ۱۳۵۷: ۲/ ۱۳۷؛ بزرگ‌علوی، ۱۳۸۵: ۵۸).

از شیراز و ۲۱ سال پس از اصفهان، انتشار روزنامه‌ای محلی، از سوی فردی غیرخراسانی، در شرق ایران محسوب می‌شد (رابینو، ۱۳۷۲: ۵۵-۵٤؛ موسوی‌گرمارودی، ۱۳۸٤: ۱/۱۵۵-۱۵۳؛ پروین، ۱۳۷۷: ۲/٤۰۵).

درباره تصویرسازی انتقادی انتشاریافته در ادب، علی‌خان قاجار، ملقب و مشهور به ظهیرالدوله بیان داشته است که نخستین استفاده‌کننده از تصویرسازی انتقادی در مطبوعات ایران «آقا میرزا صادق خان ادیب‌الممالک مدیر و نویسنده روزنامهٔ ادب بود و اشکال و تصاویر کالیکاتور را در روزنامه خودش چاپ می‌کرد و در ایران مبتکر این کار او شد. کالیکاتور تصاویر مضحک و مسخره است که در روزنامه یا اوراق دیگر در خارجه چاپ و منتشر کرده بدان سبب بعضی اخلاق رد عامه و نواقص بلدیه و معایب سیاسیه را با مضامین خوش خاطرنشان عموم ناس می‌نمایند» (قاجار، ۱۳٦۷: ٦۴). از این‌رو، تصویرسازی مذکور را می‌توان آغازگر استفاده از این وسیله ارتباطی نافذ و انتقادی در روزنامه‌های کشور دانست (کهن، ۱۳٦۲: ۱/۱۸۸).

هرچند در سال‌های اول و دوم انتشار، این روزنامه فاقد تصویر بود، اما در سال سوم، شماره ۴ (۷ شوال ۱۳۲۰ق/ ۷ ژانویه ۱۹۰۳م) تصویری ساده از یک «ترازوی سنجیدن قیمت اجناس» قرار داده شد (ادب، ۱۳۲۰، س۳، ش۴: ۲۵) و در شماره بعد، نخستین تصویرسازی دارای درون‌مایه طنز اجتماعی، با رقم (امضاء مبنی بر ذکر نام) «حسین الموسوی، نقاشباشی آستان قدس» به‌عنوان نخستین تصویرسازی انتقادی مطبوعات ایران، در این نشریه منتشر شد (تصویر ۱). گویا ادیب‌الممالک نخست موضوعی را با اخذ از کتابی به نام خزانه الایام[1] مدنظر و سپس سفارش تصویرسازی آن را به موسوی داده است. از این‌رو، متن بالای تصویر را می‌توان پیشامتنِ اولیه این تصویرسازی دانست: «تصویر ترقی مردم اروپا که به معاونت یکدیگر بالا رفته و به مدارج سامیه و مراتب عالیه صعود می‌نمایند. برخلاف تنزل مردم آسیا که به‌واسطه بدخواهی یکدیگر همگی با خاک یکسان می‌شوند. از کتاب خزانه الایام» (ادب، ۱۳۲۰، س۳، ش۵: ۳۳).

دومین تصویرسازی مجدد با رقم حسین الموسوی در شماره ششم قرار دارد. این تصویرسازی بر اساس متن قرارگرفته بر بالای آن دربردارنده «کارخانه مَشاقی مرحوم ملاچراغعلی به شرکت میرزا نورالله و حاجی میرزا نصیر» است (ادب، ۱۳۲۰، س۳، ش٦: ۴۱). سومین تصویرسازی در شماره هفتم و فاقد رقم تصویرساز و دربردارنده آیه ۱۸ از سوره نَمل و عباراتی فارسی و تصاویر مرتبط به آن است: «خانه مور که به شبنمی طوفان است» و «مورچه شیرده که دارای دو پستان است» که فاقدِ رویکرد انتقادی هستند (ادب، ۱۳۲۰، س۳، ش۷: ۴۹).



تصویر ۱: اولین تصویرسازی انتقادی در مطبوعات ایران (ادب، ۱۳۲۰، س۳، ش۵: ۳۳).

ادب پس از توقف انتشار در مشهد و ادامه فعالیت در تهران، بیش از پیش به بهره‌گیری از تصویرسازی انتقادی برای نمایش بصری معضلات و آسیب‌های سیاسی-اجتماعی پرداخت.

۱. به‌احتمال فراوان، منظور خزانه الایام فی تراجم العظام اثر یوسف نعمان المعلوف (متوفی ۱۳۷۵ق/ ۱۹۵٦م)، روزنامه‌نگاران مشهور و پیشرو عرب در کشورهای لبنان و امریکا است. المعلوف که در ۱۳۱۴ق/ ۱۸۹۷م روزنامه الایام را در نیویورک منتشر کرد، گویا پس از آن به انتشار کتاب خزانه الایام پرداخت (زرکلی، ۱۹۸۹: ۸/۲۵۵).

ازجمله آن‌ها می‌توان به تصویرسازی‌هایی همچون مقایسه خیابان‌های زیبای اروپا در برابر کوچه‌های ایران (ادب، ۱۳۲۳، س۴، ش۱٦٠: ۱)، انتقاد از شیوه عبور و مرور وسایل نقلیه در خیابان‌های تهران (ادب، ۱۳۲۳، س۴، ش۱٦۱: ۱)، انتقاد از طرز پرداخت حق اشتراک روزنامه (ادب، ۱۳۲۰، س۴، ش۱٦۳: ۴)، نشست حل اختلاف روس و ژاپن (ادب، ۱۳۲۰، س۴، ش۱٦۷: ۴) اشاره کرد.

پس از پایان انتشار ادبِ تهران در ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ق/ ژوئن ۱۹۰٦م تا انتشار نشریه آذربایجان[1] در محرم ۱۳۲۵ق/ فوریه ۱۹۰۷م، در هیچ‌یک از روزنامه‌های ایران، تصویرسازی انتقادی مدنظر قرار نگرفت. چهل و هشت روز پس از انتشار آذربایجان، نشریه کشکول[2] و در ربیع‌الاول همان سال قاسم‌الاخبار[3] و ماه بعد، به ترتیب تنبیه[4]، گلستان سعادت[5] و آئینه غیب‌نما[6] انتشار یافتند. اول جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ [۱۹۰۷م] وطن[7] نیز به کاروان روزنامه‌های برخوردار از تصویرسازی انتقادی پیوست. تنها شمارۀ عبرت[8] در نوزدهم همان ماه و تنها شماره جهان‌آرا[9] در بیستم رجب، هرکدام با یک تصویرسازی منتقادانه، منتشر شدند. از نقش‌جهان[10] نیز یک شماره در ۲۳ شوال به چاپ رسید و با نشر آن، اصفهان پس از تهران و تبریز، سومین رتبه را در میان شهرهای صاحب روزنامه دارای تصویرسازی انتقادی، به دست آورد. در ۱۳۲٦ق [۱۹۰۸م] شرافت با سرلوحه‌های دارای رویکرد انتقادی خود در تهران و حشرات‌الارض[11] به‌عنوان جانشین آذربایجان در تبریز انتشار یافتند. در دورۀ استبداد صغیر، حشرات‌الارض تنها روزنامۀ برخوردار از تصویرسازی انتقادی بود که به انتشار خود ادامه داد، اما انتشار آن در شوال ۱۳۲٦ق [نوامبر ۱۹۰۸م] پایان یافت تا آنکه در اصفهان پس از تسلط آزادیخواهان بر آن، روزنامه‌های زاینده‌رود[12] از اول ربیع‌الاول ۱۳۲۷ق [آوریل ۱۹۰۹م] و کشکول تبعیدی از دوازدهم همان ماه با تصویرسازی‌هایی انتقادی، انتشار یافتند (پروین، ۱۳۷۷: ٦٦۷/۲). همچنین دیگر نشریات فکاهی برخوردار از تصویرسازی انتقادی از ۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۹م تا پیش از کاشف‌اسرار عبارت بودند از چنته پابرهنه[13] (انتشار: ۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۱م) که در آن صفحه چهارم اختصاص به بخش تصویری داشت و موضوعات انتقادی از زبان دو نفر به نام‌های بابا احمد و کَل شعبان، مطرح می‌شد. نشریه بهلول[14] در ۱۸ صفر ۱۳۲۹ق/ ۱۸ فوریه ۱۹۱۱م نخستین شماره آن منتشر و از نظر ویژگی‌های ظاهری همچون نحوه چاپ، خط و تصویرسازی از کیفیت مناسبی برخوردار بود. تصویرسازی‌های بهلول در صفحات اول و چهارم بود و صفحات دوم و سوم به چاپ مطالب اختصاص داشت. جنگل مولا[15] دیگر نشریه مصورِ انتقادی بود که نخستین شماره آن در ۲۰ رجب ۱۳۲۹ق/ ۱۷ ژوئیه ۱۹۱۱م در چهار صفحه منتشر شد. صفحات اول و آخر آن مصور و دو صفحه داخلی مشتمل بر مطالبی نازل‌تر از محتویات چنته و بهلول بود (محیط طباطبایی، ۱۳٦٦: ۲۲۳، ۲۲٦، ۲۳۰، براون، بی‌تا: ۱۵۷/۲).

کاشف اسرار

هرچند پس از تصویب قانون مشروطه (۱۳۲۴ق/ ۱۹۰٦م) تا حدودی نشریات از آزادی عمل برخوردار شدند، اما این جریان با استمرار همراه نبود و با به توپ بسته شدن مجلس در ۱۳۲٦ق/ ۱۹۰۸م از سوی محمدعلی‌شاه و مقابله با مشروطه و آزادی (Martin, 1992: vi/180-182)، مطبوعات در زمره نخستین گروهی بودند که با آنان برخورد و از فعالیت و آزادی عملشان کاسته شد. بااین‌حال، پس از فرار محمدعلی‌شاه و جلوس احمدشاه (۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۹م)، به‌تدریج آزادیخواهان و مدیران نشریات با قدرتی مضاعف فعالیتشان را آغاز و انتشار جراید رونق یافت. طی آن، احزاب

۱. چاپ سربی. تبریز. مؤسس بلوری (ناله ملت) (برزین، ۱۳۷۱: ۷).
۲. چاپ‌سنگی. تهران. مؤسس مجدالاسلام‌کرمانی (همان: ۳۳۱).
۳. چاپ سنگی. تهران. مؤسس ابوالقاسم همدانی (همان: ۳۱۳).
٤. چاپ سنگی.تهران.مؤسس ابراهیم معتضد الاطباء (همان:۱۳۴).
۵. چاپ سنگی. تهران. مؤسس میرزا نصرالله خان (همان: ۳۴۲).
٦. چاپ سنگی. تهران. مؤسس سید عبدالرحیم کاشانی (همان:۳).
۷. چاپ سنگی. تهران. مؤسس ملک المورخین (همان: ۴۲۵).
۸. چاپ سنگی. تبریز. مؤسس نامشخص (همان: ۲۹۰).
۹. چاپ سنگی. تهران. مؤسس میرزا عباس خان (همان: ۱۵۲).
۱۰. چاپ‌سنگی. اصفهان. مؤسس حسین اعتلاءالدوله (همان:۴۰۹).
۱۱. چاپ سنگی. تبریز. مؤسس حاج میرزا آقا بلوری (همان: ۱٦۳).
۱۲. چاپ‌سنگی. اصفهان. مؤسس معین‌الاسلام خوانساری (همان:۲۲۳).
۱۳. چاپ سنگی. تهران. مؤسس میرزا محمود خان افشار (همان:۱۵۸).
١٤. چاپ سنگی. تهران. مؤسس شیخ علی عراقی (همان: ۹٦).
١٥. چاپ سنگی. تهران. مؤسس حسن ذوقی (همان: ۱۴۹).

و گروه‌های مختلف روزنامه‌های مختص به خود که دربردارنده افکار، اندیشه و نظریاتشان بود را منتشر کردند. در این بین دوره فترت «یعنی مدتی که از انحلال دوره سوم مجلس شروع و به افتتاح دوره چهارم ختم می‌شود، قریب ده سال (۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ق) به طول انجامید، تحولات عظیمی در وضع جراید و مجلات پیش آمد نمود و در حقیقت دوره بلوغ جراید فارسی در همین مدت است [...]. دوره فترت از لحاظ دخالت در وضع عمومی کشور و اداره نمودن سیاست مملکت، از ادوار مهم تاریخ مطبوعات کشور به شمار می‌رود و با در نظر گرفتن این‌که قوه مقننه در این دوره به حالت تعطیل درآمده بود و جراید وظایف مهمی را در قبال مردم داشتند، می‌توان به اهمیت مطبوعات آن زمان پی برد» (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱/۲۵).

به‌تبع این جریان، در حوزه جغرافیایی مشهد آنچه مشهود است، پیش از جنبش مشروطیت، فعالیت‌های روزنامه‌نگاری از رونق گسترده‌ای برخوردار نبود. شرایط اجتماعی حاکم و فقر فرهنگی وسیع، مانند سایر نواحی ایران، حاکی از گونه‌ای حکومت گسترش‌یافته بر پایه استبداد بود. استبدادی که باروری زمینه‌های تکامل جامعه را سلب و مبلغین فراوانی این اندیشه را ترویج و تشویق می‌کردند. بااین‌حال، پس از پیروزی مشروطیت، وضع آگاهی سیاسی-اجتماعی در مشهد بهبود یافت و چاپ روزنامه‌ها رونق و با تغییراتی همراه بود (الهی، ۱۳۷۹: ۳۳-۳۲). ازجمله این تغییرات را می‌توان بهره‌گیری از تصویرسازی، در راستای بیان دیدگاه‌های انتقادی در حوزه سیاسی و اجتماعی دانست.

با اعلام مشروطیت، استقبال روزنامه‌خوانان مشهدی از نشریاتِ مصورِ برخوردار از درون‌مایه انتقادی، زمینه‌ای مناسب برای تولید روزنامه‌های دارای چنین رویکردی را به همراه داشت. به‌گزارش یک روزنامه‌نگار فعال در مشهدِ دورۀ قاجار «روزنامه‌هایی که در خارج از کشور به زبان ترکی نوشته می‌شدند با حروف فعلی ما طوری تنظیم می‌شد که چندان زحمتی برای خواننده ایجاد نمی‌کرد، مخصوصاً عکس‌هایی که داشت و کاریکاتورهای جالب آن‌ها کمک می‌کردند. مانند روزنامه ملانصرالدین[1] که خواننده و خریداران زیادی در خطه خراسان داشت. حتی در اغلب خانه‌ها ممکن است دوره‌های جلد شده‌ای از آن‌ها بوده باشد» (طارمی، ۱۳۳۷: ۴۱). او می‌افزاید، چنین روزنامه‌های دربردارنده اطلاعاتی با بیان طنز و معمولاً با تأثیرگذاری بیشتری همراه بود (همان: ۴۷-۴۶).

در حدفاصل پایان انتشار نخستین نشریه مشهد (ادب: ۱۳۲۰ق/ ۱۹۰۲م) تا آغاز انتشار کاشف‌اسرار (۱۳۳۲ق/ ۱۹۱٤م) نشریات متعددی در مشهد منتشر شد. این نشریات عبارت بودند از بشارت (انتشار: ۱۳۲٤ق/ ۱۹۰٦م)، خورشید (انتشار: ۱۳۲٥ق/ ۱۹۰۷م)، خراسان (انتشار: ۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۹ق)، طوس (انتشار: ۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۹م)، بلدالامین (انتشار: ۱۳۲۸ق/ ۱۹۱۰م)، عصرجدید (انتشار: ۱۳۲۸ق/ ۱۹۱۰م)، نوبهار (انتشار: ۱۳۲۸ق/ ۱۹۱۰م)، تازه‌بهار (انتشار: ۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۱م)، مینو (انتشار: ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱٤م) و اطلاعات‌یومیه (انتشار: ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱٤م) (الهی، ۱۳۷۹: ۹٤-۹۳، ۷٦، ۷۳، ٦٦، ٦۲، ٥٦، ٥۳؛ حافظی، ۱۳۹٦: ۱/۲٤۹، ۲۳٥، ۲۰٤، ۱۹٤، ۱٥۸، ۱٤۳، ۱۲٤، ۱۰۸، ۱۰۱). نکته مشترک در میان تمامی این نشریات، عدم بهره‌گیری توأمان از گفتمان مکتوب و بصری در عرصه سیاسی و اجتماعی بود. بر این اساس نشریه کاشف‌اسرار را می‌توان نخستین نشریه فکاهی-انتقادی مصور مشهد دانست[2].

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول این نشریه، ابوالقاسم پروردین، مشهور به مؤید الشریعه، از اهالی گیلان بود. او پس از انتشار کاشف‌اسرار در تهران[3]، با سفر به مشهد، انتشار این نشریه را در مشهد ادامه داد. سپس به تهران سفر و بعد از مدتی در

۱. این روزنامه به‌صورت مصور و با ساختار فکاهی در ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۷م مقارن با اعلان مشروطیت در تفلیس به انتقاد از اوضاع اجتماعی و اخلاقی ایران می‌پرداخت و تصویرسازی‌های انتقادی را در ۴۹ شماره منتشر کرد. این نشریه را می‌توان پایه و اساس روزنامه‌های فکاهی ایران و نیز الهام‌بخش تصویرسازی انتقادی در نشریات ایران دانست (محیط طباطبایی، ۱۳٦٦: ۲۲۱).

۲. پیش از انتشار کاشف‌اسرار، نشریه‌ای با عنوان کاشف‌الاسرار در تهران به‌صورت مخفی چاپ می‌شد. این نشریه از هفته نخست صفر ۱۳۲۷ق/ اواخر فوریه ۱۹۰۹م آغاز و از آن دو شماره در هفته منتشر می‌شد. آخرین شمارۀ یافت شده از آن، شمارۀ ۲۴ (۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷م/ ۱۱ می ۱۹۰۹م) است (پروین، ۱۳۷۷: ۲/۵۷۹).

۳. کاشف‌اسرارِ تهران تماماً به‌صورت چاپ سنگی منتشر می‌شد. دفتر نشریه واقع در چهارراه حسن‌آباد و عهده‌دار چاپ آن، چاپخانه

اصفهان به انتشار کاشف‌اسرار پرداخت[1] (شهوازی، ۱۳۸۳: ۱۰۸؛ حافظی، ۱۳۹۶: ۲۱۹). آنچه مشهود است، نگرش غالب بر سه دوره انتشار کاشف‌اسرار از سوی مؤید الشریعه، رویکرد انتقادی با بهره‌گیری از طنز تلخ کلامی و به‌ویژه بصری بود (برای نمونه‌هایی از تصویرسازی انتقادی در شماره‌های انتشاریافته در تهران و اصفهان، ر.ک: تصاویر ۹-۲).


نمره چهارم — سال اول — صفر اول
کاشف اسرار
عنوان مراسلات
طهران چهارراه حسن‌آباد
اداره روزنامه کاشف اسرار
عنوان تلگرافی کاشف اسرار
مدیر مسئول
مؤید الشریعه گیلانی
وجه اشتراک
طهران سالیانه دو تومان
ولایات سالیانه پنج قران
اعلانات
سطری یکقران گرفته میشود
تاریخ دوشنبه بیست و ششم شهر ذی‌قعده — سال اول — مطابق برج — اودئیل ۱۳۳۱

تصویر ۲: نمونه تصویرسازی انتقادی چاپ تهران
(کاشف‌اسرار، ۱۳۳۱، س۱، ش۴: ۱)



تصویر ۳: نمونه تصویرسازی انتقادی چاپ تهران
(کاشف‌اسرار، ۱۳۳۱، س۱، ش۴: ۴)


نمره ششم — سال اول — صفر اول
کاشف اسرار ۱۳۳۱
عنوان مراسلات
طهران چهارراه حسن‌آباد
اداره روزنامه کاشف اسرار
عنوان تلگرافی کاشف اسرار
مدیر مسئول
مؤید الشریعه گیلانی
وجه اشتراک
طهران سالیانه دو تومان
ولایات سالیانه پنج قران
اعلانات
سطری یکقران گرفته میشود
تاریخ پنجشنبه چهارم محرم‌الحرام مطابق — سال اول — ۱۴ برج عقرب اودئیل ۱۳۳۱

تصویر ٤: نمونه تصویرسازی انتقادی چاپ تهران
(کاشف‌اسرار، ۱۳۳۱، س۱، ش٦: ۱)



تصویر ۵: نمونه تصویرسازی انتقادی چاپ تهران
(کاشف‌اسرار، ۱۳۳۱، س۱، ش٦: ٤)

حاج عبدالرحیم بود (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۱، س۱، ش٤: ۳). بر اساس بررسی مراکز آرشیوی، از چاپ تهران کاشف‌اسرار، صرفاً شماره‌های ٤، ٦ و ۷ موجود است.

۱. کاشف‌اسرار اصفهان تماماً به‌صورت چاپ سنگی منتشر می‌شد. دفتر نشریه واقع در خیابان خوش (کاشف‌اسرار، ۱۳۳٦، س۲، ش٦: ۱) و از چاپخانه عهده‌دار نشر آن اطلاعاتی در دست نیست. این نشریه به‌واسطه محتوای بسیار انتقادی، چندین‌بار مورد توقیف قرار گرفت (بیات، ۱۳۷۲: ۲/۲۷۸-۲۷۲؛ صدرهاشمی، ۱۳٦۳: ۱۱۸/٤).



تصویر ۶: نمونه تصویرسازی انتقادی چاپ تهران
(کاشف‌اسرار، ۱۳۳۱، س۱، ش۷: ۱)



تصویر ۷: نمونه تصویرسازی انتقادی چاپ تهران (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۱، س۱، ش۷: ٤)



تصویر ۸: نمونه تصویرسازی انتقادی چاپ اصفهان
(کاشف‌اسرار، ۱۳۳٦، س۲، ش٦: ٤)



تصویر ۹: نمونه تصویرسازی انتقادی چاپ اصفهان
(کاشف‌اسرار، ۱۳۳٦، س۲، ش٦: ٥)

در شناسنامه صفحه اول نخستین شماره موجود از کاشف‌اسرار مشهد (شماره ۳) چنین آمده است: «عنوان مراسلات مشهد: سرای ملک‌التجار اداره کاشف‌اسرار. عنوان تلگرافی: کاشف‌اسرار. مدیر و سردبیر: مؤید الشریعه گیلانی، هفته دو نمره طبع و توزیع می‌شود. وجه اشتراک در مشهد سالیانه سه تومان، ولایات داخله سالیانه چهار تومان، اعلانات سطری یک قرآن. پس از دادن دو نمره وجه اشتراک دریافت می‌شود، یک نمره پنج شاهی. نمره تلفون: ١٦» (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۳: ۱). این نشریه در مشهد به مدت شش ماه از سوی چاپخانه طوس (غالباً در روزهای پنجشنبه) انتشار یافت. بااین‌حال، آنچه از این نشریه موجود و قابل‌دسترسی است، عملاً از شماره سوم و اطلاعاتی از شماره اول و دوم آن در دسترس نیست. ترتیب شمارگان آن عبارت است از: شماره ۳: ۱۰ ذی‌القعده ۱۳۳۲ق/ ۳۰ سپتامبر ۱۹۱٤م، شماره ٤: ١٤ ذی‌القعده ۱۳۳۲ق/ ٤ اکتبر ۱۹۱٤م، شماره ٥: ١٦ ذی‌القعده ۱۳۳۲ق/ ٦ اکتبر ۱۹۱٤م، شماره ٦: ٢٤ ذی‌القعده ۱۳۳۲ق/ ١٤ اکتبر ۱۹۱٤م، شماره ۷: ۲۸ ذی‌القعده ۱۳۳۲ق/ ۱۸ اکتبر ۱۹۱٤م، شماره ۸: ۲ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ق/ ۲۲ اکتبر ۱۹۱٤م، شماره ۹: ۷ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ق/ ۲۷ اکتبر ۱۹۱٤م، شماره ۱۰: ۱۳ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ق/ ۲ نوامبر ۱۹۱٤م، شماره ۱۱: ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ق/ ۷ نوامبر ۱۹۱٤م، شماره ۱۲: ۲۳ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ق/ ۱۲ نوامبر ۱۹۱٤م، شماره ۱۳: ۳۰ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ق/ ۱۸ نوامبر ۱۹۱٤م، شماره ١٤: ١٤ محرم ۱۳۳۳ق/ ۲ دسامبر ۱۹۱٤م، شماره ١٥: ۲۱ محرم ۱۳۳۳ق/ ۹ دسامبر ۱۹۱٤م، شماره ١٦: ٦ صفر ۱۳۳۳ق/ ٢٤ دسامبر ۱۹۱٤م، شماره ۱۷: ۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق/ ۳ فوریه ۱۹۱٤م، به‌اضافه یک شماره فوق‌العادهٔ تک‌صفحه‌ای به تاریخ ۹ صفر

۱۳۳۳ق/ ۲۷ دسامبر ۱۹۱۴م و یک شماره فوق‌العادهٔ دوصفحه‌ای، فاقد تاریخ.
نشریه کاشف‌اسرار مشهد با بهره‌مندی هم‌زمان از دو شیوهٔ چاپ سربی و سنگی در ابعاد ۳۵×۲۱cm در چاپخانه سربی طوس[1]، انتشار یافت. از شماره ۱ تا ۱۱، صفحات اول و چهارم بر اساس چاپ سنگی و صرفاً مختص به تصویر و صفحات دوم و سوم مبنی بر چاپ سربی و دربردارنده مقالات، یادداشت، اعلان‌ها، پاسخ به نامه‌ها و سایر نکات بود. از منظر هنری چنین به نظر می‌رسد که نخست صفحات دوم و سوم در چاپخانه طوس منتشر و سپس این صفحات به یکی از چاپخانه‌های سنگی فعال در مشهد منتقل و بر روی آن تصویرسازی مدنظر چاپ می‌شد[2].
هرچند اطلاعات در زمینه این نشریه و اهداف مدنظر آن بسیار محدود است، اما نامگزینی آن گواه این جریان است که متناسب با رویکرد مؤسس و مدیر نشریه، انتخاب عنوان کاشف‌اسرار (آشکارکننده رازهای پنهانی)، نیازمند محتوایی بود که به معضلات سیاسی و اجتماعی، خواه با وجود آگاهی مردم از آن و عدم امکان بروز و خواه ناآگاهی مردم، به بیان و تنویر افکار توده پردازد. در این بین، استفاده از بیان بصری، بهترین شیوه جهت بهره‌مندی کلیه اقشار جامعه محسوب می‌شد. از سویی با توجه به شعر مذکور در کتیبه صفحه اول در شماره ۷ و تکرارشونده در شماره‌های بعدی، می‌توان تا حدودی به دیدگاه مؤید الشریعه آگاهی یافت، چنانکه باوجود اطاعت از شاه، کانون انتقادهای او عملکرد وزیران و نمایندگان مجلس بود: «آن‌که بر قطب شریعت از ازل پرگار شد/ تا ابد در ظل احمد کاشف‌اسرار شد» (کاشف اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۷: ۱).
آخرین شماره (۱۷) کاشف‌اسرار در ۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق/ ۳ فوریه ۱۹۱۴م منتشر شد. در این شماره، مؤید الشریعه در مقاله‌ای با عنوان «طلوع واپسین یا غزل خداحافظی» نقطه پایان این نشریه در مشهد را چنین اعلام کرد: «[...] قصد از این مسافرت رفتن به اروپا بود. این نائره فتنه آن سامان و آتش خانمان‌برانداز[3]، مدیر کاشف‌اسرار را در مشهد مقدس متوقف داشته تا این‌که به نشر این نامه گرامی موفقیت حاصل گردید و مشغول به خدمات ملی شدیم. جان را در مقابل خدمات به ملک و ملت هیچ شمردیم و با این‌که مخالفت‌ها و آن دزدانی که ابداً راضی نبودند که سیئات اعمال آن‌ها گفته شود، نوشتیم و از عهده‌اش بیرون آمدیم. چه صدمات که ندیدیم و به چه صعوبات که زندگی نکردیم. البته در راه ملت این‌گونه از پیش‌آمدها سهل است، ولی الحمدالله به یگانه آرزوی خودمان که افتتاح دارالشوری کبری بود نائل شده و درب آن خانه امید را بازدیدیم برای سر به آستان آن کعبه مسلمین گذاردن که یگانه مقاصد ما است به‌موجب بعضی از مکاتیب مجبور به حرکت هستیم. با کمال افسردگی اهالی مشهد را از علما و اعاظم و بزرگان و دانشمندان وداع نموده حلیت می‌طلبیم و خواطر مبارکشان را مسبوق داشته عرض می‌کنیم که از وظیفه خود ابداً صرف‌نظر نخواهیم کرد و در همین آخرین نامه خود اعلان نموده که از ماه ربیع‌الثانی جریده بهارستان که جانشین کاشف‌اسرار خواهد بود از طهران پا به عرصه مطبوعات خواهد گذارد. البته آنچه نظریات ما در این مدت در مشهد بوده تمام در کمال وضوح نگاشته، به نظر قارئین محترم خواهیم رسانید و جریده بهارستان را برای مشترکین عظام عوض از کاشف‌اسرار خواهیم فرستاد[4]. در خاتمه عرایض از آقایان عظام مشهد مقدس حلیت طلبیده، ما را از دعا فراموش نفرمایند و توفیق خدمات ملی برای ما بخواهند و در جزء محوشدگانم نپندارند (رفتیم اگر ملول شدی از نشست ما)» (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۳، س۲، ش۱۷: ۲-۱).

تصویرسازی‌های انتقادی در کاشف‌اسرار

تجزیه و تحلیل روزنامه‌های چاپ سنگی ایرانِ اواخر دورهٔ قاجار می‌تواند تأثیر متقابل بین خلاقیت هنری و پیشرفت‌های فنی و رابطه تغییریافته بین هنر و سیاست را

۱. این چاپخانه در ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۷م به مدیریت میر مرتضی موسوی در مشهد آغاز به فعالیت کرد (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۳۲).
۲. ازآنجایی‌که اطلاعاتی در زمینه آثار منتشرشده به شیوه چاپ سنگی از سوی چاپخانه طوس وجود ندارد، نظر مذکور از صحت برخوردار است.
۳. اشاره به آغاز جنگ جهانی اول.
۴. با بررسی آرشیو نشریات دریافت می‌شود که چنین نشریه‌ای هیچ‌گاه از سوی مؤید الشریعه منتشر نگردید.

نشان دهد. در واقع، مطبوعات مصور این دوره را می‌توان به‌عنوان نمایشی از یکپارچگی و ادغام این دو حوزه در نظر گرفت. این رابطه همزیستی بین واژه و تصویر به روزنامه‌های این دوره اجازه داد تا تصویرسازی را به همراه گزارش و مستندات و با تفسیر سیاسی ترکیب کنند. از سویی امکان انتشار فراوان و هزینه اندک چاپ سنگی یا توأمان با چاپ سربی، بستر و امکان تولید گسترده این نشریات را فراهم آورد (Balaghi, 2000: 166). بهره‌گیری از تصویرسازی انتقادی موضوعی بود که مؤسسان و مدیران نشریات از آغاز (همچون کشکول) و یا میانه انتشار (همچون وطن) از اهمیت آن آگاه و در سرمقاله‌های نشریات خود به آن اشاره داشتند (کشکول، ۱۳۲۵، س۱، ش۱: ۱؛ وطن، ۱۳۲۵، س۱، ش۱۹: ۱).

آنچه مشهود است، تصویرسازی‌های انتقادی به‌عنوان یک شیوه جدید از بیان موضوعات، مخاطبین فراوانی را جذب کرد و از جایگاه ویژه و انحصاری برخوردار شد، اما هنرمندان فعال در این حوزه، نسبت به سایر گونه‌های منشعب از نقاشی، محدود بودند، زیرا این هنر علاوه بر مهارت در نقاشی، نیازمندِ درکِ خواستِ مدیرانِ نشریات و توانایی در بیان موضوعات توأم با طنز تلخ بود و از سویی شباهت چندانی بین این نوع تصویرسازی با شیوهٔ نقاشی معمول سنتی نیمه نخست دوره قاجار وجود نداشت. بنابراین تعداد افرادی که در ابتدا وارد این عرصه شدند بسیار کم و حجم تولیدات آن‌ها اندک بود. بااین‌حال، همین تولیدات اندک از چنان جذابیت و مطلوبیتی برخوردار بود که از دیدگاه قشر روزنامه‌خوان، بارزترین نشانهٔ شناخت هویت روزنامه محسوب می‌شد و به‌تبع آن از سوی مؤسسان و مدیران نشریات، به‌عنوان مهم‌ترین عامل هویت‌ساز هر نشریه موردتوجه قرار گرفت (احترامی، ۱۳۸۴: ۲۹).

از این‌رو، تعامل و دعوت به همکاری از نقاشان، ازجمله موضوعاتی بود که از سوی نشریاتِ دارای رویکرد انتقادی موردتوجه قرار گرفت. اطلاعات در زمینه هنرمندان فعال در این زمینه بسیار اندک است. به‌عنوان نمونه، تصویرسازان نشریه آذربایجان حسین طاهرزاده و حسن محمدزاده بوده‌اند. در تهران پرکارترین تصویرساز انتقادی نشریات، شخصی بود که آثارش را به نام حسینعلی و گاهی حسینعلی ولد عبدالله خان امضاء می‌کرد. این هنرمند که فعالیتش را با ادبِ تهران آغاز کرد، تصویرسازی دو شماره نخست کشکول و نیز بسیاری از تصاویر آئینه غیب‌نما و وطن را عهده‌دار شد. دیگر هنرمند این حوزه، میرزا علی مزین بود که نامش در زیر تصاویر شماره ۷ تا ۳۸ نشریه کشکول مشاهده می‌شود و پس از او فردی به نام حسن، تصویرسازی‌های انتقادی کشکول را عهده‌دار شد. از دیگر هنرمندان این حوزه می‌توان به هادی، تصویرگر نشریه آئینه غیب‌نما و کوچک بن علی، تصویرگر قاسم‌الاخبار اشاره کرد (پروین، ۱۳۷۹: ۲/۶۶۸).

آنچه مشهود است، به‌واسطه ماهیت انتقادی این آثار، اغلب هنرمندان از ذکر نام (امضاء، رقم) در تصاویر خودداری می‌کردند و ثمره آن کمبود اطلاعات در زمینه هویت هنرمندان فعال در این حوزه است، چنانکه این جریان در نشریه کاشف‌اسرار نیز قابل‌مشاهده است. به این معنا که هیچ‌گونه نام و رقمی از تصویرساز این نشریه در شماره‌های مصورِ منتشرشده در مشهد ذکر نشده است. در احتمالی ضعیف شاید بتوان هنرمند دارای تعامل با کاشف‌اسرار را حسین الموسوی (دارای همکاری با روزنامه ادب) دانست و در احتمالی دیگر می‌توان بر اساس رقم موجود در پایین تصویرسازی صورت گرفته از تیمورتاش، در شماره ۸، سیدالشعرا را خلق‌کننده این تصاویر برشمرد.

از سیدالشعرا اطلاعات گستردگی وجود ندارد، بااین‌حال او نقاشی توانا در نقاشی، رنگ و روغن، آبرنگ و چاپ سنگی بود (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳: ۱/۲۳۰). به‌عنوان نمونه، او در حوزه اخیر به تصویرسازی کتاب بحرالفوائد پرداخت. تصویرسازی این کتاب مربوط به ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م و در مشهد انتشار یافت. از منظر هنری، تصویرسازی سیدالشعرا در این کتاب از چنان کیفیتی برخوردار است که «می‌توان از این هنرمند به‌عنوان یک استاد واقعی نام برد، آن‌هم در دورهٔ رو به زوال تصویرسازی» (Marzolph, 2001: 45). این نکته شایان توجه است که در این دوره، گروهی از تصویرسازان علاوه بر کتاب، در تصویرسازی روزنامه‌ها نیز اشتغال داشتند، زیرا تصویرسازی در روزنامه‌های چاپ سنگی دو دهه پس از آغاز به کارِ چاپخانه‌های سنگی متداول شد و این زمینه‌ای برای بهره‌گیری از این تصویرسازان از سوی مدیران نشریات بود (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۷۰: ۱/۲۲۰).

کاشف‌اسرار از شماره ۱۲ سال دوم فاقد تصویرسازی و پس از آن کلیه صفحات به‌صورت چاپ سربی منتشر شد. مؤید الشریعه در مورخه ۱۰ ذی‌القعده ۱۳۳۲ق/ ۳۰ سپتامبر ۱۹۱٤م در خبری کوتاه با عنوان «نقاش دزدی» چنین آورده است: «آقایان عظام وقتی از توسلات مشروعه مأیوس شدند، رفقا هر طور بود راضیم کردن نقاش ما را به اسم بلوک گردشی به‌طرف ایلات بردند» (کاشف اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۱۲: ۲). متعاقباً از شماره ۱۲ هر چهار صفحه به شیوه چاپ سربی و تمام متن منتشر شد. محتوا و تصاویر شماره‌های موجود از کاشف‌اسرار مشهد عبارت است از:

شماره ۳: در صفحه اول به تصویرسازی معضل رواج مصرف مواد افیونی در میان اقشار جامعه و در صفحه چهارم به رشد و ارتقای بیش از حد وزیر (علاءالسلطنه[1]) (تصویر ۱۲) به‌واسطه حمایت نمایندگان مجلس و متعاقباً سرسپردگی سایرین پرداخته شده است (تصاویر ۱۱، ۱۰). در شرح تصویر صفحه اول با عنوان «تفریح ایرانی» چنین آمده است: ۱. به نقل از فردی کارگر: ترسم آخر تو در به درم کنی ای بافور. ۲. به نقل از درویش: های های حشیش چه‌کارها می‌کند رفتم به عالم کرکوت لاهوت هو جمال تو را عشق است. ۳. به نقل از فردی بازاری: سیخ بزن سوراخ نگیرد، پی بده چراغ نمیره. ۴. به نقل از فردی اداری: راستی راستی جوهر غیرت است آنچه که [؟؟؟] می‌کنم. ۵. به نقل از راوی: خدایا این اخلاق است که ما را به‌روز سیاه نشانیده است. در شرح تصویر صفحه چهارم چنین آمده است: ۱. به نقل از وزیر: های بلند شدیم ماشاالله. ۲. به نقل از وکیل: ببین اگر من وکیل نمی‌شدم تو بلند نمی‌شدی. ۳. به نقل از کارمندان: (تعظیم شیک) اگر غیر این باشد یارو بدش می‌آید. ۴. به نقل از روای: نگاه‌کن نگاه‌کن ترقی رتبه را ببین گر بماند سال دیگر قطب‌الدین حیدر می‌شود تا سال دیگر اینجا بماند شداد خواهد شد.

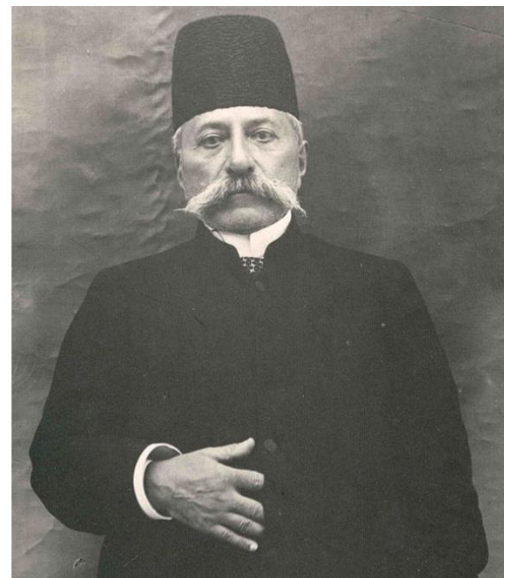


تصویر ۱۰: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۳: ۱)

---

۱. محمدعلی‌خان (متولد ۱۲۵۴ق/ ۱۸۳۸م) که از ۱۲۷۶ق/ ۱۸۵۹م به مدت ده سال به‌عنوان سرکنسول ایران به بمبئی بود، پس از بازگشت ملقب به معین‌الوزراء شد (هدایتی‌خمینی، ۱۳۹۰: ۲۸، ۱۹-۱۷). سپس در پی میزبانی از ناصرالدین‌شاه در سفر سوم به اروپا (۱۳۰۷ق/ ۱۸۹۰م)، ملقب به علاءالسلطنه و به سفارت لندن منصوب شد (ارفع، ۱۳۴۵: ۷۷، اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۶: ۶۶۱). پس از آن با تشکیل اولین کابینه مشروطیت (۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۷م) به وزارت امورخارجه تعیین شد. در کابینه میرزا علی‌اصغرخان اتابک و پس از آن در دوران صدارت مشیرالسلطنه و نیز پایان استبداد صغیر و تشکیل مجلس دوم، در کابینه سپهدار تنکابنی (۱۳۲۸ق/ ۱۹۱۰م) علاءالسلطنه در سمت خود ابقا شد. با استعفای صمصام‌السلطنه از صدارت (صفر ۱۳۳۰ق/ ژانویه ۱۹۱۲م)، علاءالسلطنه به رئیس‌الوزرایی انتخاب شد. ازجمله اتفاق‌های مهم این دوره، اعطای امتیازهای راه‌آهن جلفا و خرمشهر به روس و انگلیس بود. با آغاز جنگ جهانی اول (رمضان ۱۳۳۲ق/ آگوست ۱۹۱۴م) علاءالسلطنه استعفا داد و مستوفی‌الممالک به صدارت منصوب شد و در دولت جدید، مجدد وزارت امورخارجه و سپس به‌طور متوالی وزارت علوم و اوقاف و وزارت عدلیه را عهده‌دار شد (بروجنی، بی‌تا: ۸۰، ۱۵، ۹؛ عاقلی، ۱۳۶۹: ۷۴، ۷۱، ۴۸).


تصویر ۱۱: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۳: ۴)


تصویر ۱۲: علاءالسلطنه (موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران: ۱۱۱۵-۱ع)

شماره ۴: در صفحه اول به تصویرسازی دریافت رشوه از سوی وزیر و در صفحه چهارم، به یغمای منابع مادی ایران از سوی قصاب (وزیر) برای خوش‌آمد دو فرد خارجی (نمایندگان روس و انگلیس) به شیوه نمادین، در حال کندن پوست حیوانی (منابع مادی) متعلق به توده جامعه (تماشاچیان)، پرداخته شده است (تصاویر ۱۴، ۱۳). در شرح تصویر صفحه اول با عنوان «خادم ملت» چنین آمده است: ۱. به نقل از وزیر: ای دوهزاری چه با وقاری دوهزاری چه خوش صفایی دوهزاری چه با وفایی دوهزاری هزار ایران و ایرانی فدای دو دانه تو می‌کنم. ۲. به نقل از وکیل: تصدقت آن مسئله در توی پاکت حاضر است. ۳. به نقل از راوی: خدا به تو و برادرت جزا بدهد که ایران را خراب نمودید. در شرح تصویر صفحه چهارم چنین آمده است: ۱. به نقل از توده (تماشاچیان): (آه خرم وای خرم) دیدی در این چند سال چه بر سر خر ما آورد. شکر خدا را که از سر خرت راحت شدیم. ۲. به نقل از قصاب (وزیر): امروز به‌واسطه این پوست خر با همراهی این دو مسیو خوش گذار این‌ها می‌کنیم ما که خوشیم گور پدر دیگران. ۳. به نقل از راوی: بارها گفتم بر این قوم مست، خر مَده بر این اروپایی پرست، پوست او کنند تیر از شصت جست، کی بَسا ابلیس آدم رو که هست. ۴. به نقل از حیوان: وای وای بر تو که ابداً به حال من رحم نکردی به منتها شداید دچارم ساختی.


تصویر ۱۳: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۴: ۱)



تصویر ۱۴: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۴: ۴)

شماره ۵: در صفحه اول به تصویرسازی ناآگاهی مردم در هنگام انتخاب نمایندگان مجلس و رأی‌دهی فارغ از شناخت و در صفحه چهارم به انتقاد از اداره مطبوعات و گویا لغو امتیاز و ممانعت از چاپِ[1] برخی از نشریات (در سیمای گاو روزنامه‌خوار)، به این موضوعات پرداخته شده است (تصاویر ۱۶، ۱۵). در شرح تصویر صفحه اول چنین آمده است: ۱. ملت ایران موقع انتخابات. ۲. به نقل از نماینده: این‌ها را می‌برم رأی آن‌ها را گرفته در صندوق بندازم ان‌شاءالله سوار فیل بشیم امثال خودم وکیل بشیم. ۳. به نقل از راوی: ای عزیزان چون‌که آن صندوق را، دست قدرت بی‌مهابا برگشود، تا بداند مُسلِم و گَبر و یَهود، کَندران صندوق جز لعنت نبود. در شرح تصویر صفحه چهارم چنین آمده است: ۱. گاو روزنامه خور. ۲. به نقل از راوی: پناه‌برخدا از این گاو، اگر به همین حال بماند ابداً روزنامه‌ای باقی نخواهد ماند.



تصویر ۱۵: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۵: ۱)



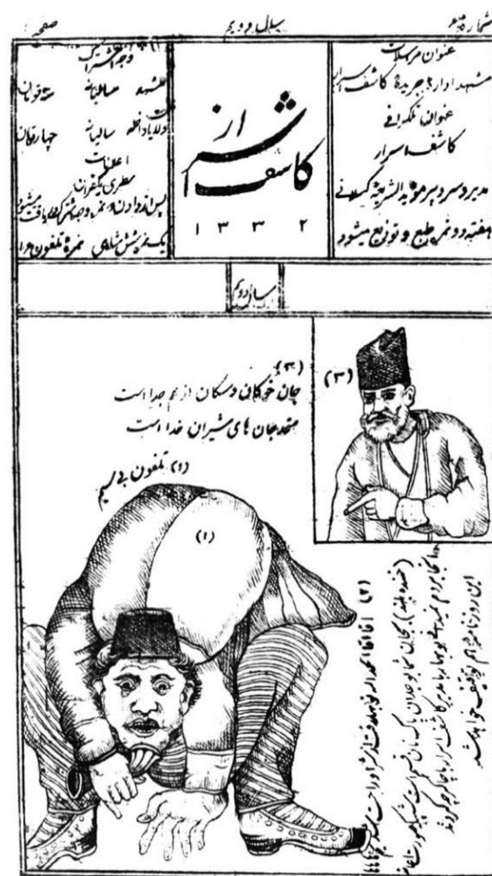
تصویر ۱۶: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۵: ۴)

شماره ٦: در صفحه اول به تصویرسازی مأموران اطلاع‌دهی وزارت معارف و مسئولین لغو امتیاز نشریات تحت عنوان تلفن بی‌سیم (اشاره به مأمور) توجه و به تعطیلی نشریه نوبهار[2] اشاره و در صفحه چهارم به جور و ستم صورت پذیرفته

۱. هرچند اطلاعات دقیقی در زمینه صدور مجوز برای بهره‌گیری از تصویرسازی در روزنامه‌های فکاهی در دست نیست، اما چنین به نظر می‌رسد که نشریات علاوه بر کسب مجوز در زمینه نوع فعالیت، در صورت بهره‌مندی از تصویرسازی، ملزم به اخذ مجوز لازم و رعایت قوانینی بودند که در صورت عدم رعایت آن، به لغو امتیاز نشریه منجر می‌شد (رفیع‌ضیایی، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۴).

۲. این نشریه دو بار از سوی محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا بهار) نخست در ۱۳۲۸ق/ ۱۹۱۰م و سپس ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۴م در مشهد منتشر شد. بار اول به دلیل مخاصمه نوبهار با سیاست‌های روس‌ها در ایران، به‌واسطه شکایت سفارت روسیه در تهران، وزارت خارجه دستور به توقیف آن داد. در مرحله دوم، ازآنجایی‌که این نشریه بی‌پروا به بیان مطالبی از حضور سپاهیان روسی در ایران، اوضاع سیاسی کشور و انحراف جنبش ملی مشروطه‌خواهی به دست سازشکارانه وابسته به بیگانه پرداخت، توقیف شد (کهن، ۱۳۶۲: ۲/ ۶۳۰، ۶۱۰).

بر روستاییان در قالب قتل‌عام آنان پرداخته شده است (تصاویر ۱۸، ۱۷). در شرح تصویر صفحه اول چنین آمده است: ۱. تلفون بی‌سیم. ۲. به نقل از مأمور: آقا آقا الحمدالله نوبهار رفت از شر او راحت شدیم. ها ها (خنده بلند) به جان شما به وجدان پاکتان قسم است شبی که صورت اعانه آنجا بردم نمی‌دانی نوبهار با مدیر کاشف‌اسرار با چاکر چه کردند. این روزنامه هم توقیف خواهد شد. ۲. به نقل از راوی: جان خوکان و سگان از هم جداست، متحد جان‌های شیران خداست. در شرح تصویر صفحه چهارم چنین آمده است: ۱. به نقل از مردان مجروح: ما را می‌کشید به این زن‌ها که به کوه‌ها فرار می‌کنند رحم کنید. ۲. به نقل از راوی: کشته از بس که فزون است، کفن نتوان کرد. ۳. به نقل از مرد مقتول: آخ من که کشته‌شده‌ام خدایا صاحب‌الزمان ما را برسان.



تصویر ۱۷: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۶: ۱)

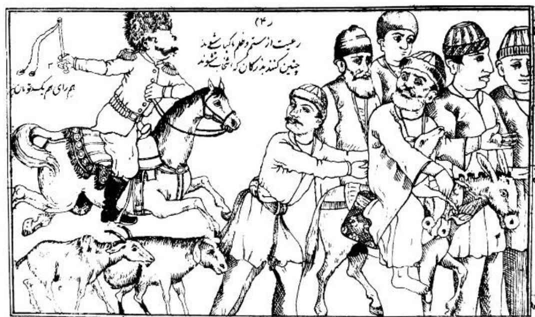


تصویر ۱۸: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۶: ۴)

شماره ۷: در صفحه اول به تصویرسازی جمعی از نمایندگان مجلس با سری انسانی و پیکر پروانه که در حال گردش در اطراف شمع (مجلس) هستند و در صفحه چهارم به حضور اجباری توده در انتخابات پرداخته شده است (تصاویر ۲۰، ۱۹). در شرح تصویر صفحه اول چنین آمده است: زبان حال: تا در مقام کار برون از خجالتیم، پروانه‌وار گرد چراغ وکالتیم. در شرح تصویر صفحه چهارم چنین آمده است: ۱. به نقل از مأمور دولتی: هم رأی هم یک تومان. ۲. به نقل از راوی (غایب): رعیت از ستم و ظلم کباب شوند، چنین کنند بزرگان که انتخاب شوند.



تصویر ۱۹: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۷: ۱)



تصویر ۲۰: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۷: ۴)

شماره ۸: در صفحه اول به تصویرسازی عبدالحسین تیمورتاش[1] (تصویر ۲۱) که در دوره دوم مجلس به نمایندگی از مشهد در مجلس حضور و پس از آن به فرماندهی لشکر خراسان منصوب و خواستار حضور در مجلس سوم نیز بود و در صفحه چهارم به جمعی از وکلا و نارضایتی مردم از تصمیمات و اعمال آنان پرداخته شده است (تصاویر ۲۲، ۲۱). در شرح تصویر صفحه اول در تک‌بیتی چنین آمده است: سپاه بخت را سالار سردار معظم شد، جهان از فر اقبالش به‌آسانی منظم شد. در شرح تصویر صفحه چهارم چنین آمده است: ۱. به نقل از راوی: به خدا رعیت بیچاره به جبر و زور به این‌ها رأی دادند برای این‌که با خان نسبت داشته، خویش بود، ترسیدند. ۲. شرح تصویر: انجمن نظار یکی از شهرهای استبدادیست. ۳. یکی از نمایندگان: این حرف‌ها را مزن (....) خواست وکیل شد. ۴. یکی از نمایندگان: حکم حاکم مرگ مفاجات. ۵. توده: خدایا نمی‌دانیم این دفعه چه خواهند کرد.



تصویر ۲۱: تیمورتاش (موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران: ۱۲۴۰۵۱-۲۷۵م)



تصویر ۲۲: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۸: ۱)

۱. عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی، معزز الممالک) که پس از فراگیری علوم سیاسی به‌عنوان گزینه موردنظر جهت حضور در وزارت خارجه انتخاب شد، به دلیل عدم سازگاری با میرزا حسین‌خان معین‌الوزراء، از فعالیت در وزارت خارجه کناره‌گیری کرد. تیمورتاش در انتخابات دوره دوم مجلس شورای ملی (شوال ۱۳۲۷ق/ اکتبر ۱۹۰۹م) که بعد از سقوط دوره استبداد صغیر و با کوشش‌های سید اسدالله قزوینی، رئیس انجمن ایالتی برگزار شد، با سنی کمتر از سی سال، به‌عنوان یکی از نمایندگان مشهد انتخاب شد. پس از پایان مجلس دوم به خراسان بازگشت و با مساعدت شاهزاده حسین میرزا نیرالدوله، حاکم کل ایالت خراسان، به فرماندهی لشکر خراسان منصوب و ملقب به سردار معظم شد. با گشایش مجلس سوم (محرم ۱۳۳۳ق/ نوامبر ۱۹۱۴م) به‌عنوان نماینده قوچان انتخاب و در مجلس حضور یافت (عاقلی، ۱۳۷۱: ۳۴۵، ۲۳۱؛ متولی‌حقیقی، ۱۳۹۲: ۱/۱۱۴).

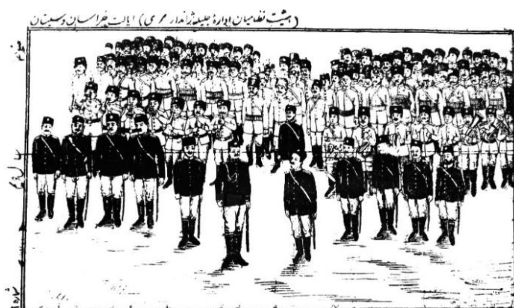


تصویر ۲۲: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۸: ۴)

شماره ۹: در صفحه اول به تصویرسازی وزیر (علاءالسلطنه) و نمایندگانی که خود را به‌حق انتخاب‌شده و خادم مردم می‌دانند و در مقابل اعتراض مردم از بی‌توجهی آنان و در صفحه چهارم هیئت نظامیان ادارهٔ ژاندارمری ایالت خراسان و سیستان -به‌احتمال فراوان زیر نظر تیمورتاش- پرداخته شده است (تصاویر ۲۵، ۲۴). در شرح تصویر صفحه چهارم چنین آمده است: ۱. به نقل از وزیر (علاءالسلطنه): غصه و زحمت این ملت غیور مرا پیر و زمین‌گیر کرده. ۲. به نقل از راوی: به این ملت بی‌چاره رحم کنید (وکیل شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل). ۳. به نقل از توده: در موضوع انتخابات این‌قدر فریاد کردیم خَفه شدیم کسی به داد ما نرسید آخر کار خودشان را کردند. ۴. به نقل از نماینده: چاکر و خانه‌زاد به مراحم و الطاف موردتوجه گردیده وکیل شدم. فردی ناشناس: شکر خدا را غیر از یک نفر باقی‌ها به میل ماها وکیل شدند.



تصویر ۲۴: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۹: ۱)

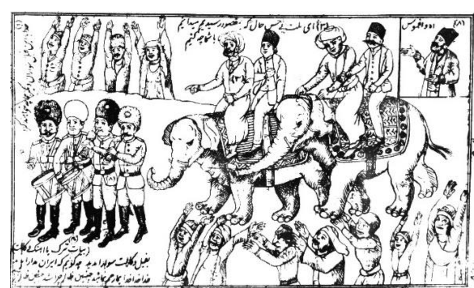


تصویر ۲۵: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۹: ۴)

شماره ۱۰: در صفحه اول به تصویرسازی عدم توجه به رشد، پیشرفت و ترقی جامعه بر اساس نظام شایسته‌سالاری در گزینش افراد شاغل در مقامات کشوری و در صفحه چهارم نارضایتی مردم از نمایندگان مجلس و یکه‌تازی آنان بر جامعه پرداخته شده است. در شرح تصویر صفحه اول چنین آمده است: ۱. به نقل از فردی متنفذ: نور چشم عزیزم تو باید با ما به مرکز آمده تحصیلات خودتان را تکمیل کرده ارتقای درجه گرفته رئیس شوی. ۲. به نقل از جوان: به سر مبارک قسم هرچه اصرار کردم آقا راضی نشدند این‌ها قومی هستند که مراتب تجدد را نمی‌فهمند. ۳. به نقل از فرد متنفذ: بلی چنین است. ۴. به نقل از راوی: حرمی را که تو باشی محرم، وای بر عصمت آن اهل حرم. در شرح تصویر صفحه چهارم چنین آمده است: ۱. به نقل از توده: خدایا این فیل‌سواران دیگر به ما چه خواهند کرد. ۲. به نقل از توده: تا زمانی که سوار فیل نشده بودند ما از دست و زبان این‌ها راحت نبودیم، حالا که سوار شدند. خدا خدا خدا به ما رحم نمایید چنین ظالم چرا شد چنین ظالم چرا شد. ۳. به نقل از نمایندگان: ای ملت بی‌حس، حال که به مقصود رسیدیم می‌دانیم با شما چه کنیم. ۴. به نقل از نیروهای نظامی: (بیات ترک یا آهنگ وکالت) به فیل وکالت سوار آمدید، چه گویم که ایران سوار آمدید. ۵. به نقل از راوی: آه و افسوس.



تصویر ۲۶: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۱۰: ۱)



تصویر ۲۷: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۱۰: ۴)

شماره ۱۱: در صفحه اول به تصویرسازی اطاعت محض نسبت به دستورات ارسالی از تهران در زمینه رفتار با نمایندگان مجلس و در صفحه چهارم به نارضایتی از حکام محلی پرداخته شده است (تصاویر ۲۹، ۲۸). در شرح تصویر صفحه اول چنین آمده است: ۱. کار محرمانه یا تلگراف سری. ۲. به نقل از خواننده تلگراف: آقایان این شخص بزرگ برای شما زحمت ... خوب است الغای او را بخواهیم. ۳. به نقل از توده مردم: ما از خودمان رأی ندادیم، مجبوریم، همه کردند ما هم می‌کنیم. در شرح تصویر صفحه چهارم چنین آمده است: ۱. به نقل از حاکم: شما مردمان هرزه هستید، دست از این هرزگی برنمی‌دارید. هرچه شکایت شود ثمر ندارد، جلوگیری شده است. ۲. به نقل از توده: قربان ما دیگر چیزی نداریم، خوب است یک مدتی جاهای دیگر رفته حکومت فرمایید و دیگران هم منتفع شوند. ۳. به نقل از توده: خدایا کسی به داد نمی‌رسد به داد ما برس. شر این ظالم را از سر ما کم کن. ۴. به نقل از راوی: اخلاق این‌ها [حکمرانان] تغییر نخواهد کرد.



تصویر ۲۷: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۱۱: ۱)



تصویر ۲۸: (کاشف‌اسرار، ۱۳۳۲، س۲، ش۱۱: ۴)

مجموعه تصاویر کاشف‌اسرارِ مشهد، شماره ۳ الی ۱۱ (۱۰ ذی‌القعده ۱۳۳۲ق الی ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ق)

کاشف‌اسرار، مشهد، شماره ۳	کاشف‌اسرار، مشهد، شماره ٤
کاشف‌اسرار، مشهد، شماره ۵	کاشف‌اسرار، مشهد، شماره ٦
کاشف‌اسرار، مشهد، شماره ۷	کاشف‌اسرار، مشهد، شماره ۸
کاشف‌اسرار، مشهد، شماره ۹	کاشف‌اسرار، مشهد، شماره ۱۰

کاشف‌اسرار، مشهد، شماره ۱۱





نتیجه‌گیری

تصویرسازی انتقادی در مطبوعات، ازجمله موضوعاتی بود که در اواخر دوره قاجار در ایران آغاز و به‌صورت نسبتاً گسترده در اکثر شهرها رشد یافت، زیرا پس از مشروطه، مطبوعات از انحصار استبداد مطلقه رهایی یافته و ظرفیت مناسبی برای این جریان ایجاد شد. به این معنا که نشریات تا حد گسترده‌ای از توانایی بیان معضلات، آسیب‌ها و ناکارآمدی‌های موجود در جامعه برخوردار شدند. در مشهد، نخستین نشریه فکاهی برخوردار از تصویرسازی انتقادی، کاشف‌اسرار بود. آنچه مشهود است، مدیر این نشریه بهره‌گیری از تصویر را به‌مثابه ابزاری برای بهره‌مندی کلیه اقشار از انتقادهای خود می‌دانست، چنانکه در اکثر تصاویر او در سیمای ناظری آگاه و روایتگر در بخشی از تصویر، حضور دارد. در این تصاویر، غالباً به ذکر گفت‌وگو میان شخصیت‌های حاضر در تصویر پرداخته شده است که می‌توان از سویی به دلیل تازگی این‌گونه هنری و از سویی ناآشنایی مخاطبان با گفتمان بصری ارائه‌شده و نیز در راستای بیان تمام و کمال و انتقال مقصود و هدف مؤید الشریعه دانست. بااین‌حال، الگوی این نشریه را می‌توان تفکری منشعب از تبدیل گفتمان مکتوب به گفتمان بصری با بهره‌گیری از ظرفیت‌های چاپ سنگی در دوره قاجار دانست، چنانکه گفتمان بصری به‌عنوان رسانه‌ای قابل‌درک برای کلیه اقشار جامعه در گستره‌ای بیش از پیش به انتقال پیام که غالباً دربردارنده نقد اعمال وزیران و نمایندگان مجلس بود، به نحوی مؤثر می‌پرداخت. از این‌رو، کاشف‌اسرار از دو منظر قابل‌توجه است. نخست اهمیت و دیگر تأثیر، چنانکه در فضای حاکم بر مشهد، برای نخستین‌بار به بیان بصری معضلات سیاسی-اجتماعی و آگاهی‌بخشی پرداخت و از سویی به‌واسطه بهره‌گیری از تصویر، از ضریب‌تأثیری مضاعف در انتقال پیام به کلیه اقشار برخوردار بود.

فهرست منابع

۱. آدمیت، فریدون. (۱۳۴۰). ***فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت***. تهران: سخن.

۲. آرین‌پور، فریدون. (۱۳۴۰). ***از صبا تا نیما***. ج۲. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۳. آشوری، مهران. (۱۳۹۸). ***فهرست مطبوعات کاریکاتور و طنز***. تهران: خانه کتاب.

۴. احترامی، منوچهر. (۱۳۸۴). «جلوه‌های فرهنگ مردم در کاریکاتورهای روزنامه توفیق». ***فرهنگ مردم***. (شماره ۱۶)، ۴۹-۲۶.

۵. ارفع، رضا. (۱۳۴۵). ***ایران دیروز: خاطرات پرنس ارفع (ارفع‌الدوله)***. تهران: بی‌نا.

۶. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۵۶). ***روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه***. تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

۷. افضل‌الملک، غلامحسین. (بی‌تا). ***سفرنامه خراسان و کرمان***. به اهتمام قدرت الله روشنی. تهران: توس.

۸. الهی، حسین. (۱۳۷۹). ***روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان***. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۹. امین، کامرون مایکل. (۱۳۹۵). «مطبوعات و دیپلماسی عمومی در ایران (از قاجار تا پهلوی)». ترجمه مصطفی لعل‌شاطری. ***تاریخ نو***. (شماره ۱۷)، ۱۶۷-۱۳۳.

۱۰. باقریان‌نژاد، زهار. (۱۳۷۱). ***روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران***. تهران: مولانا.

۱۱. براون، ادوارد. (بی‌تا). ***تاریخ مطبوعات و ادبیات در دورهٔ مشروطیت***. ج۲-۳. ترجمه محمد عباسی. تهران: معرفت.

۱۲. برزین، مسعود. (۱۳۷۱). ***شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی***. تهران: بهجت.

۱۳. بروجنی، ضرغام. (بی‌تا). ***دولت‌های عصر مشروطیت***. تهران: مجلس.

۱۴. بروفر، فریبا. (۱۳۸۰). «پیشینه کاریکاتور در مطبوعات ایران: با نگاهی به نشریه ملانصرالدین». ***هنر***. (شماره ۴۷)، ۱۱۰-۹۹.

۱۵. بزرگ‌علومی، سید مجتبی. (۱۳۸۵). ***تاریخ تحولات ادبیات معاصر فارسی***. ترجمه سعید فیروزآبادی. تهران: جامی.

۱۶. بیات، کاوه. (۱۳۷۲). ***اسناد مطبوعات (۱۳۲۰-۱۲۸۶ ش)***. ج۲. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

۱۷. پروین، ناصرالدین. (۱۳۷۷). ***تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان***. ج۱،۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۸. حافظی، ابراهیم. (۱۳۹۶). ***تاریخ تحلیلی روزنامه‌ها، مجله‌ها و سالنامه‌های خراسان***. ج۱. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
۱۹. خارابی، فاروق. (۱۳۸۶). «طنز در مطبوعات دوره آغازین مشروطیت». ***نامه فرهنگستان***. (شماره ۳۳)، ۶۲-۳۴.
۲۰. ذاکرحسین، عبدالرحیم. (۱۳۷۵). ***مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت***. تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. رابینو، ه.ل. (۱۳۷۲). ***روزنامه‌های ایران از آغاز تا ۱۳۲۹ ق***. ترجمه جعفر خمامی‌زاده. تهران: اطلاعات.
۲۲. رفیع‌ضیایی، محمد. (۱۳۸۲). «روزنامه‌های مصور قبل از شروع کاریکاتور در ایران». ***کیهان کاریکاتور***. (شماره ۱۴۰-۱۳۹)، ۴۳-۴۲.
۲۳. رفیع‌ضیایی، محمد. (۱۳۸۸). «کاریکاتور و نشریات فکاهی انتقادی سنتی ایران». ***کیهان کاریکاتور***. (شماره ۲۱۲-۲۱۱)، ۴۷-۴۴.
۲۴. ستاری، محمد. (۱۳۸۸). «بهره‌گیری از عکس و عکاسی در روزنامه‌های شرف و شرافت». ***هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی***. (شمار ۴۰)، ۶۲-۵۳.
۲۵. شهوازی، ستار. (۱۳۸۳). ***نام‌ها و نامه‌ها: روایتی از روزنامه‌ها روزنامه‌نگاران خراسان در دوره قاجاریه***. مشهد: ایوار.
۲۶. صدرهاشمی، محمد. (۱۳۶۳). ***تاریخ جراید و مجلات ایران***. ج۴،۱. اصفهان: کمال.
۲۷. طارمی، رجب. (۱۳۳۷). ***روزنامه‌نگاری***. مشهد: ایران‌نما.
۲۸. عاقلی، باقر. (۱۳۶۹). ***روزشمار تاریخ ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی***. تهران: گفتار.
۲۹. عاقلی، باقر. (۱۳۷۱). ***تیمورتاش در صحنه سیاست ایران***. تهران: جاویدان.
۳۰. فرهمند، جلال. (۱۳۸۱). «رکن چهارم: اسناد مطبوعات ایران (دوره قاجار)». ***تاریخ معاصر ایران***. (شماره ۲۳)، ۴۶۲-۳۵۵.
۳۱. قاجار، ظهیرالدوله. (۱۳۶۷). ***خاطرات و اسناد ظهیرالدوله***. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: طرین.
۳۲. قاسمی، سید فرید. (۱۳۷۹). ***تاریخ روزنامه‌نگاری ایران***. تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳. قاسمی، سید فرید. (۱۳۸۳). ***اولین‌های مطبوعات ایران***. تهران: آبی.
۳۴. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۶۳). ***احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی***. ج۱. لندن: بی‌نا.
۳۵. کسروی، احمد. (۱۳۸۵). ***تاریخ مشروطه ایران***. تهران: نگاه.
۳۶. کهن، گوئل. (۱۳۶۲). ***تاریخ سانسور در مطبوعات ایران***. ج۱،۲. تهران: آگاه.
۳۷. متولی‌حقیقی، یوسف. (۱۳۹۲). ***تاریخ معاصر مشهد***. ج۱. مشهد: شورای اسلامی.
۳۸. محبوبی‌اردکانی، حسین. (۱۳۷۰). ***تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران***. ج۱، تهران: دانشگاه تهران.
۳۹. محیط طباطبایی، سید احمد. (۱۳۶۶). ***تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران***. تهران: بعثت.
۴۰. مراقبتی، غلامحسین. (۱۳۸۰). ***نگرشی بر روزنامه‌های فکاهی ایران***. تهران: دارینه.
۴۱. موسوی‌گرمارودی، سید علی. (۱۳۸۴). ***زندگی و شعر ادیب‌الممالک فراهانی***. ج۱. تهران: قدیانی.
۴۲. هدایتی‌خمینی، عباس. (۱۳۹۰). ***زندگی‌نامه سیاسی و اجتماعی علاءالسلطنه***. تهران: طهوری.
43. Balaghi, Shiva. (2000). "Print Culture in Late Qajar Iran". ***Iranian Studies***. (vol 33), 165-181.
44. Ebrahimian, Mojtaba. (2020). "Vaqaye'-e Ettefaqiyeh (1851–1861) andthe Education of the Iranian Nation in the Middle of the Nineteenth Century". ***Iran (Journal of the British Institute of Persian Studies)***. (Published online), 1-13.
45. Green, Nile. (2008). "Paper Modernity? Notes on an Iranian Industrial Tour, 1818". ***Iran (Journal of the British Institute of Persian Studies)***. (vol 46), 277-284.
46. Shahidi, Hossein. (2008). "Iranian Journalism and the Law in the Twentieth Century". ***Iranian Studies***. (vol 41), 739-754.

47. Marzolph, Ulrich. (2001). ***Narrative Illustration in Persian Lithographed Books***. Leyden: Brill.

48. Nabavi, Negin. (2020). "Modernity and Its Discontents: Newspapers, Censorship,and the Press Law in Late Nineteenth and Early Twentieth Century Iran". ***Iranian Studies***. (Published online), 1-25.

49. Martin, Vanessa. (1992). "Constitutional Revolution ii. Events". ***Encyclopædia Iranica***. vol vi. New York: Bibliotheca Persica Press.

نشریات

۵۰. ***ادب***. (۱۳۲۰ق). سال۳، شماره٤.

۵۱. ***ادب***. (۱۳۲۰ق). سال۳، شماره۵.

۵۲. ***ادب***. (۱۳۲۰ق). سال۳، شماره٦.

۵۳. ***ادب***. (۱۳۲۰ق). سال۳، شماره۷.

۵۴. ***ادب***. (۱۳۲۳ق). سال۴، شماره۱٦۰.

۵۵. ***ادب***. (۱۳۲۳ق). سال۴، شماره۱٦۱.

۵٦. ***ادب***. (۱۳۲۳ق). سال۴، شماره۱٦۳.

۵۷. ***ادب***. (۱۳۲۳ق). سال۴، شماره۱٦۷.

۵۸. ***خورشید***. (۱۳۲۵ق)، سال۱، شماره۱۰۰.

۵۹. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۱ق). سال۱، شماره۴.

٦۰. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۱ق). سال۱، شماره٦.

٦۱. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۱ق). سال۱، شماره۷.

٦۲. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۲ق). سال۲، شماره۳.

٦۳. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۲ق). سال۲، شماره۴.

٦۴. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۲ق). سال۲، شماره۵.

٦۵. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۲ق). سال۲، شماره٦.

٦٦. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۲ق). سال۲، شماره۷.

٦۷. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۲ق). سال۲، شماره۸.

٦۸. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۲ق). سال۲، شماره۹.

٦۹. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۲ق). سال۲، شماره۱۰.

۷۰. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۲ق). سال۲، شماره۱۱.

۷۱. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۲ق). سال۲، شماره۱۲.

۷۲. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۲ق). سال۲، شماره۱۳.

۷۳. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۳ق). سال۲، شماره۱۴.

۷۴. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۳ق). سال۲، شماره۱۵.

۷۵. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۳ق). سال۲، شماره۱٦.

۷٦. ***کاشف‌اسرار***. (۱۳۳۳ق). سال۲، شماره۱۷.

۷۷. ***کشکول***. (۱۳۳٦). سال۲، شماره٦.

۷۸. ***وطن***. (۱۳۲۵ق). سال۱، شماره۱۹.

تصاویر

۷۹. ***موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران***. «محمدعلی علاءالسلطنه». شماره آرشیو: ۱۱۱۵-۱ع.

۸۰. ***موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران***. «عبدالحسین تیمورتاش». شماره آرشیو: ۱۲۴۰۵۱-۲۷۵م.